نگاهی به مجموعه «جنوب با طعم لیوا» سروده بلقیس بهزادی

دکتر اسدالله نوروزی*
زهرا زارعی**

تاریخ دریافت:۹۴/۱۲/۰۷
تاریخ پذیرش:۹۴/۱۲/۰۷

چکیده

این مقاله به بررسی مهمترین مضمون های مجموعه ی «جنوب با طعم لیوا »، سروده‌ی بلقیس بهز ادی می پردازد. مهمترین شاخصه های شعر بلقیس بهزادی، زبان زنانه و بازتاب فضای بومی جنوب است. در این پژوهش به محتوا و دخالت عوامل بومی ـ فرهنگی خاص جنوب که تأثیر بسزایی در بیان مفهوم اصلی اشعار و موفقیت شعر بلقیس بهزادی دارد،پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: بلقیس بهزادی، زبان عاشقانه، فضای بومی.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی وهیأت علمی دانشگاه هرمزگان
asadollah_nowruzi@yahoo.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی Zahra_zarei_@yahoo.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

مقدمه

بلقیس بهزادی شاعر غزل، ترانه و سپید سرای استان هرمزگان، در سال ۱۳۵٦ در شهرستان میناب متولد شد . تحصیلات کارشناسی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به اتمام رساند. وی از سن۱۷ سالگی به سرودن شعر پرداخت. بهزادی تاکنون موفق شده است در جشنواره‌های مختلف کشوری و استانی، مقام‌های متعددی کسب نماید. «جنوب با طعم لیوا»، اولین مجموعه‌ی شعری بلقیس بهزادی، شاعر موفق هرمزگانی دهه ی هفتاد است . این اثر شامل ۲۰ غزل(برگزیده‌ی۱۳۷٤-۱۳۸۵) و ۱۲شعر در قالب سپید(برگزیده ی ۱۳۸۹-۱۳۹۱) است.این مجموعه ی ۷۲ صفحه‌ای که توسط انتشارات داستان سرا در سال ۹۲ به چاپ رسیده است، نمونه ی قابل قبولی از غزل هرمزگان، و انعکاس باورها و فرهنگ جنوب به شمار می رود. او توانسته تصاویری از دنیای عشق و احساس را به مخاطب عرضه کند و با این شیوه مفهوم رهایی و آزادی یک زن را با زبان انتقاد و اعتراض ابراز نماید.

در این مقاله به بررسی محتوا و مضامین اصلی این مجموعه، ویژگی‌های زبانی و بازتاب عناصر بومی جنوب پرداخته می‌شود.

محتوا و جان مایه ی اصلی شعر بهزادی عشق است. مجموعه اشعار او، نمایانگر فضایی شورانگیز و سرشار از احساس و عاطفه‌ای زنانه است؛ فضایی که با بازتاب مفهوم رهایی در هم می‌آمیزد و تقریباً در اکثر غزل‌های شاعر، طنینش به گوش می‌رسد، و آن را به عنوان مهم ترین شاخص‌ها در شعر خود ارائه می‌دهد:

۱ــ نمودهای زنانگی

در شعر بهزادی، زبان زنانه با تصاویر زن عاشق، زن تنها، زن مدرن و آزاد اندیش نمایان است.

۱ ــ۱ ــ لحن عاشقانه ــ زنانه

مثل دستم لمس کن هست مرا
تا بدانی رفته‌ام یا مانده‌ام
تو اگر مانند مجنون مانده‌ای!

من هم آری مثل لیلا مانده‌ام(بهزادی، ۱۳۹۲ : ۱۲).

یا شعری دیگر:

مرا پر کرده‌ای امشب پر از آن حسّ توفانی — پر از آن واژه‌های ناب، آن الفاظ روحانی
زمان را لحظه‌ها همواره در زنجیر خود دارند — مرا زنجیر تو همواره در خود کرده زندانی
دل آیینه می‌سوزد به حال خویش ـ مثل من — که می‌سوزد دلم وقتی فقط تصویر می‌مانی
بیا تا حک شود شعری به رنگ التهاب من — به لب هایت که غوغا می‌کند وقت غزلخوانی
کسی باور ندارد از من این شوریدگی‌ها را — به غیر از توکه حال عاشقان را خوب می‌دانی

(همان:۱۳).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

در این غزل حس عاشقانه در ساختاری باشکوه و هنرمندانه ترسیم شده است؛ به طوری که مخاطب را تا پایان شعر با خود همراه می‌سازد.تمام ابیات زیبا و قابل تأمل، آفریده شده اند. ترکیب حسّ توفانی از همان ابتدا شور عاشقانه را به مخاطب القا می کند.در بیت سوم، شاعر با به کار بردن آرایه‌ی تشخیص(سوختن دل آینه)، اندوه تنهایی و انتظار خود را ملموس تر بیان می‌کند؛ و می‌توان تصویر بی‌قراری و انتظار را در دیگر ابیات غزل‌هایش مشاهده کرد.هر یک از ابیات به درستی در جایگاه خود قرار دارند.

تازه عروس می‌شوم، حجله اگر به پا کنی — باغچه‌ی دست مرا مزرعه‌ی حنا کنی
تازه عروس می‌شوم تازه عروس شعر تو — به جای واژه‌ها اگر، مرا هجا هجا کنی
چرا حسودی نکند، « شاخه نبات » هم به من! — حافظ من! اگر مرا در غزلت صدا کنی
بی تو و ماجرای تو، عمر چه پوچ می‌شود — کاش مرا کشان کشان وارد ماجرا کنی
کوچه و خانه را ببین، غرق چراغ کرده‌ام — وای...! اگر نیایی و جشن مرا عزا کنی
حال که « قیس» منی و حال که «بلقیس» توام — بیا که قصه‌ی مرا قصه‌ی قصه‌ها کنی »

(همان:۲۵).

این غزل را می‌توان زنانه‌ترین غزل شاعر دانست . گزینش واژه‌ها، تناسب بین آن ها، موسیقی معنوی و عناصر بومی ـ زنانه، زیبایی این غزل را دو چندان کرده است . قرار گرفتن واژه‌های تازه عروس، حجله، باغچه ی دست وحنا کنار هم، تصاویری عینی از انعکاس مراسم عروسی در جنوب را نشان می دهد. در بیت دوم، تناسب کلمات شعر، واژه و هجا؛ در بیت سوم شاخه نبات، حافظ و غزل به جا و توأم با تلمیح به کار رفته است . این روند(تناسب) تا پایان شعر ادامه دارد . هماهنگی موسیقی همراه با عاطفه، در تأثیر کلام مؤثر واقع شده است . «موسیقی از آنجا که در انتقال مایه‌ی عاطفی شعر و اندیشه‌ی ناشی از آن نقش اساسی و مؤثر دارد، یکی از عناصر مهم شعر محسوب می شود. شکی نیست که عنصر موسیقی در شعر، وقتی در تعالی شعر به نقطه ی کمال مؤثر می افتد که با عاطفه ی مطرح در شعر هماهنگ باشد، و در انتقال آن به دیگران یاری گر سایر عناصر ش عر گردد.»(پورنامداریان، ۱۳۹۰:٤٤٧)؛ می‌توان مهم‌ترین عامل تأثیرگذاری این غزل را زبان دانست؛ زبانی که خاص زنان است و همین زنانگی، این اثر را جاودان می‌کند.

۱ ـ ۲ ـ زن تنها

آیینه با تصویری از تنهایی من
با یک اتاق و واژه‌هایی از سرودن
گم می‌شوم در خود، کسی آبستنم نیست
این نطفه‌ها سرب‌اند عزیزم یا که آهن!؟
پر می‌شود در لحظه‌هایم شوق دیدار
یک زن که عاشق می‌شود در ماه بهمن
یک زن که با اسطوره‌ها هم خواب می‌شد
تهمینه بود و یک شبِ سردِ تهمتن

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

آن زن که از ویرانی اجساد می‌گفت
از دست‌های مرد سیمانیّ کودن
حالا بحجم آینه باید بسازی
مفهومی از تصویر نامفهوم یک زن
(بهزادی،۱۳۹۲: ۳۹).

تصاویر ارائه شده در شعر را می توان در واژه های «آیینه، تنهایی، آبستن، شب سرد، مرد سیمانی و تصویر نامفهوم یک زن » جستجو کرد. این تصاویر چهره ی زنی تنها را ترسیم می کند؛ زنی که به دن‌بال رهایی و بالیدن است و تنهایی و نداشتن همدم خوب، عامل انسداد رهایی اوست.

۱ـ۳ ـ زن مدرن

شاعر، زن مدرن امروزی را در یک جامعه‌ی سنتی و فضایی بسته، این گونه به تصویر می‌کشد:

ازصدای به هم ریخته‌ی ذهن من بود یا
چوب لباسی که اندامم می‌شد
و می‌خورد
به دکمه‌ی مانتو بنفش من
در روزهایی که
سایز کمرم
چفت نمی‌شود
به دکمه‌ی فلزی
چفت نمی‌شود
به آستین کوتاه من
باید به پارک بانوان بروم
جمجمه‌های بدنم را بتکانم
پاهایم را ببرم
تا شکم
تا زانو...(همان:٦٣).

۱–۴ ـ زن آزاد اندیش

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

مفهوم آزاد اندیشی و رهایی زن، در برخی جوامع پذیرفته شده نیست و عامل بسیاری از مشکلات و دغدغه های زنانه به شمار می‌رود. این اندیشه در شعر بلقیس بهزادی نمودهای مختلفی یافته است . او در شعرش یک زن آزاد اندیش، رها و آگاه را جستجو می‌کند:

گفتم مرا به گرمی آن ماجرا ببوس
مانند عاشقانه ترین بوسه‌ها ببوس
گفتم که بی دریغ تر از این نمی‌شوم
این بی ریاترین شده را بی ریا ببوس
(همان: ۳۱).

شاعر تصویر زنی را نشان می دهد که آزادانه، در مورد معشوق خود سخن می گوید و احساسات صمیم‌انه‌ی خود را صادقانه بیان می‌کند.این بازنمایی عشق در هویت زنانگی او شکل می‌گیرد که آن را این گونه بی‌پروا و بی‌دغدغه بازگو می‌کند.

۲– فضای بومی

موقعیت اقلیمی، مهم ترین عامل بومی شدن هنر و ادبیات هر منطقه است . هر مرز و بوم برای خود ویژگی های خاص هنری و فرهنگی ـ بومی دارد که مخصوص همان منطقه است؛ این عامل در ادبیات و هنر هرمزگان بی تأثیر نبوده است و در انعکاس فرهنگ‌ها و باورها در ادبیات استان، بازتاب فراوانی دارد . یکی از شاخصه های مهم شعر بهزادی، تلفیقی از اشعار عناصر بومی است؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گفت رنگ محلی حاکم بر اشعار او، مهم ترین عامل موفقیت شعرش است.

۲ ـ۱ ـ باورها و اعتقادات بومی

گاهی شاعر اندیشه ی رهایی را به مدد باورها و اعتقادات، در فضای بومی عمیق تر جلوه می دهد. «شعر عامیانه، زبان نگرش عامیانه است و شاعر چنین شعری باید پیش از این که بخواهد به زبان بی‌اندیشد، باید به درون باورها و پنداشت های عوام نقبی بزند؛ و آن ها را در هیأتی که به کار برده می‌شود، با احساسش درآمیزد.»(علی پور،۱۳۸۷: ۳۸۱).

دوباره زخمه‌ی ساز و صدای پیرهنم — چه کرده ساز تنت در هوای پیرهنم
دوباره رقص، دوباره جنون سرکنگی — دوباره زلزله در هر کجای پیرهنم
و بازجفتی غمگین و نای و نی انبان — که می‌کشانمت آخر به جای پیرهنم
زمان سکوت تو را نیز پاره خواهد کرد — درست مثل همین پاره‌های پیرهنم
تو قاصدک شده‌ای یا نسیم یا توفان؟ — کدام؟ ای که نشستی به جای پیرهنم
بیا بیا به چرا برهّی گرسنه‌ی من — که بکر مانده برایت، چرای پیرهنم
به دست باد ببین کاغذین حجاب مرا — و باورت بشود، ماجرای پیرهنم

(بهزادی،۱۳۹۲ : ۳۳).

برقص با من و لیوا و شانه‌هایی که... — همیشه پای مرا می‌کشد به جایی که...
هنوز بطن شب از واژه‌های خورشید است — و این دوباره سرآغاز ماجرایی که..

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

زمانه حسّ مرا احتمال دیگر داد　　درست مثل رسیدن در آن هوایی که...
تمام پیکر من را دوید و قالب کرد　　شبیه یک غزلی با ردیف «هایی»که...
پرنده‌های مرا می‌دهد به پرواز و　　قرار پشت قرار و قرارهایی که...
هنوز دست من و این دخیل بسته‌ی سبز　　در انتظار مراد است و کودتایی که...
رسیده کم کم از این انفجار سر در گم　　میان رفتن و ماندن در این هوایی که...
برای شعله کشیدن هنوز فرصت هست　　بزن به پیکر لیوا و این نوایی که...
به رقص می‌کشدم این جنون سرکنگی　　دوباره می‌بردم هر کجا و جایی که...

(همان : ٤٧).

در این دو غزل، واژه‌های «زخمه‌ی ساز، ساز تن،رقص، جنون سرکنگی، زلزله، جفتی غمگین، نای نی انبان (غزل۱۳)» و «رقص، لیوا، شانه‌ها، پرنده، پرواز، دخیل بسته ی سبز، مراد، کودتا، انفجار، شعله کشیدن، جنون سرکنگی (غزل۲۰)»؛ با کمی دقت متوجه می‌شویم که این کلمات با هم ارتباط دارند.عناصراصلی دو غزل، در حوزه‌ی فرهنگ بومی جنوب جایگاه ویژه‌ای دارند. با توجه به عنوان کتاب «جنوب با طعم لیوا»، مایلم درباره‌ی این عناصری که در شعر به کار برده شده است، دقیق تر شوم.

لیوا، جفتی و نی انبان ابزار موسیقی بومی هرمزگان است که در مجالس جشن و سرور اجرا می شود. شاعر این هنر هرمزگانی را با حس زنانه تلفیق می بخشد؛ و نوع خاصی از احساس و عاطفه و بومی گرایی عمیق در شعر خود عرضه می کند. دستیابی شاعر به لحنی که توانسته، زنانگی و انعکاس فرهنگ بومی را ادغام کند؛ و تصاویری غلیظ تر و باور پذیرتر ارائه دهد را می توان در فضا و تصاویر درون شعرها دید و لمس کرد.

با توجه به واژه ها و نمود آن در فرهنگ و سنت هرمزگان، کاربرد آن ها یادآور مراسمی به نام «زار» است. مراسم زار نوعی موسیقی درمانی است که در جنوب ایران برای «اهل هوا یا باد » اجرا می‌شود. «مراسم زار قبل از هرچیز باعث تخلیه ی هیجان بسیار بیمار می شود.حرکات بدن، شنیدن موسیقی تند و ریتمیک، و زوزه و جیغی که بیمار می کشد درواقع، تخلیه ی هیجان‌های فرو خفته ی اوست که در یک شکل معقول و فرهنگ پسند بروز پیدا می کند.»(Saeedbiniaz.blogfa.com.tag).شاعر توانسته با انعکاس باورهای بومی در شعر و پیوند آن با حالات درونی خود، تصاویری عینی از رها شدن، به شکل ملموس ارائه دهد. به نظر می رسد شاعربه دنبال آزادی و رهایی از یک حصار بسته است که می خواهد تمام زنجیر ها را پاره کندو به رهایی برسد. می‌توان هنر شاعر در بیان مفهوم رها شدن از اسارت و رسیدن به آزادی را دروجود همین کلمات بومی جست . او با انعکاس این تصاویر می خواهد گامی فراتر بردارد؛ گامی متفاوت و رو به تعالی . اگر واژه‌های «توفان، رقص، انفجار،آتش، لیوا، جفتی و نی انبان» را در این شعر انتخاب می کند، می‌خواهد به نوعی از موانع و ازتمام چیزهایی که در درونش زندانی است، رها شود. موسیقی بومی لیوا یک نوع آشفتگی ایجاد می‌کند و با نواختنش هوا یا باد(زار) درون فرد ،آزاد و رها می‌شود. به نظر می‌رسد شاعر به آنچه می اندیشد، دست یافته است؛ زیرا پایه و اساس این اشعار را بسیار ظریف، دقیق و منسجم ساخته است، و زبان شعرش حرکتی پیشرو دارد. «اندیشه‌ی شاعر نخست تجربه یا معنا را در می یابد، سپس آن را در قالب کلام می ریزد و تصویرهای مستقل از معنا را برتن آن می‌پوشاند؛ بنابراین، معنا بر صورت تقدم دارد.»(فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۷).

۲ـ۲ـ خودسوزی و رهایی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

مهم ترین درون مایه و محتوای شعری «جنوب با طعم لیوا»، اندیشه‌ی رهایی، و استقلال یک زن آزاد اندیش است . گاهی شاعر حس رهایی را از دریچه‌های بومی که نشأت گرفته از جامعه ی نزدیک اوست، می بیند. نادیده گرفتن حقوق زن در خانواده و اجتماع، و فقدان آزادی در تصمیم گیری‌های مهم زندگی و به دنبال آن عواقب شوم خود سوزی، در شعر زیر به وضوح دیده می-شود:

خاکسترت به جا ماند، بانوی رقص و آتش — رفتی فقط عزا ماند، بانوی رقص و آتش
گفتم به دست و پایت نقش حنا ببندم — این دست در حنا ماند، بانوی رقص و آتش
در کوچه‌های باران، در سایه‌های تردید — پیراهنت به جاماند،بانوی رقص و آتش
وقتی شب نگاهت در هرم شعله‌ها سوخت — فریاد ماجرا ماند، بانوی رقص و آتش

در کوچه باد آمد، ناگاه مردی از راه — در رقص شعله‌ها ماند، بانوی رقص و آتش
دستان سرد خود را در زلف خون گره زد — خندید و از تو ها ماند، بانوی رقص و آتش
عکسی که قصّه‌ی توست، فریاد بود وحالا — در قاب بی‌صدا ماند، بانوی رقص و آتش

(بهزادی،۱۳۹۲: ۲۹).

یکی از عوامل خودسوزی در مناطق جنوب، و ادار کردن دختران به ازدواج‌های اجباری است. زن برای رهایی خود به خودسوزی وخود کشی روی می آورد. درواقع، خودسوزی و خودکشی نوعی دادخواهی و اعتراض به شرایط زندگی است. این اندیشه جدا از انعکاس خودسوزی زنان جنوب، مفهوم رهایی را نیز در بر می‌گیرد.

۲ـ۳ ـ بازتاب طبیعت بومی

گاهی شاعر رنگ بومی و جغرافیای اقلیمی را روشن تر نشان می‌دهد. شاعر،تصاویر عینی از مناطق و طبیعت استان هرمزگان و سایر مؤلفه‌های بومی در شعر رونمایی می‌کند:

هر بار شرجی می‌شوم، این بار شرجی‌تر
این بار شرجی می‌شوم، شرجی‌تر از بندر
از سینه‌ام موجی نهفته می‌زند بیرون
ای عشق ای جذر و مد دریای همبستر

(همان: ٤٥).

بدون تردید «دریا» یکی از مهم ترین مؤلفه‌های بومی ـ اقلیمی، در فضای شعر شاعران جنوب است . تصاویر گوناگون دریا، در بیان انواع مفاهیم شعری نمود بسیاری دارد . وقتی شاعر فضای رمانتیک شعر خود را با واژه های «شرجی، دریا، بندر، سینه، موج، عشق و جذر و مد» مرتبط می‌سازد، تصاویر ملموس تری از احساس خود بیان می کند. «در این نوع تفکّر، اشیا بر حسب ویژگی - هایی متفاوت در کنار هم قرار می‌گیرند و درنتیجه مکمّل هم می‌شوند.»(ویگوتسکی، ۱۳۷۱: ۱۰۰).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

گاهی این نمودها،ااشاره‌ای به تاریخ گذشته‌ی این منطقه است. شاعر با آگاهی از حوادث گذشته درتجلی ارزش‌ها می‌کوشد و نقبی بر پیشینه‌ی تاریخی ملت خود می‌زند:

اصلاً من کجای بندرم
که هرمزم را
قطعه قطعه کردند
پدرم که معدن سرخ جزیره بود
و مادرم آبستن از پرتغال
کلّی رژ گونه زده‌ام
تا برنزه شوم
می‌خواهم آدم مهمّی بشوم
مهمّاتم را در جیبم گذاشتم
این کشنده‌ها چقدر قرمزند
دارند عروسی می گیرند در ساحل خواجه عطاء
دارد سیاه می‌زند لیوا
من از باس
پاس می‌دارم بندرعبّاسم را..
(بهزادی،۱۳۹۲: ٦٥).

نتیجه گیری

در شعر بلقیس بهزادی حسّی عاشقانه و سرشار از احساس و عاطفه، طنین انداز است . دخالت عوامل بومی و انعکاس فرهنگ جنوب، تأثیر بسزایی در موفقیت شعری اودارد.در اشعاری که بومی گرایی عمیق تر می‌شود ابیات از انسجام بیشتری برخوردارند. یکی از شاخصه های مهم محتوایی این مجموعه، توجه به مسأله‌ی حقوقی زنان در جامعه است که شاعرآن را در هویت زن جستجو می‌کند. در نگاه و زبان شاعر، اندیشه ی آزادی و رهایی زن از موانع، در موضوعات متنوع دی ده می شود؛ مانند صراحت کلام در بیان عشق، خودسوزی زنانِ معترض برای رسیدن به حقوق از دست رفته در خانواده و اجتماع، زن تنها، تصویر زن مدرن در فضایی بسته، و در نهایت با انعکاس باورهای جنوب که یکی از آنها «مراسم زار» است، تصاویر عینی و ملموسی از رها شدن متجلی می‌سازد.

منابع ومآخذ

بهزادی، بلقیس(۱۳۹۲)، *جنوب با طعم لیوا*، شیراز : داستان سرا.
پورنامداریان، تقی(۱۳۹۰)، *سفر درمه*، چاپ سوم، تهران: سخن.
ساعدی، غلامحسین(١٣٤٦)،*هل هوا*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
فتوحی رود معجنی، محمود(۱۳۸۵)، *بلاغت تصویر*،تهران: سخن.
ویگوتسکی، ل(۱۳۷۱)،*اندیشه و زبان*، ترجمه دکتر حبیب الله قاسم زاده،چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگان.

Saeedbiniaz.blogfa.com.tag

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

A Survey of "The South Flavored by Liva" by BelqaisBehzadi.

Abstract

The present paper examines the important implications of "The South Flavored by Liva" by BelqaisBehzadi. The female language and the reflections of the native atmosphere of the South of Iran are the most important characteristics of BelqaisBehzadi'spoetry. This study considers the content and the special native and cultural factors of the South, which have a significant impact on the expression of the theme of the poetry and the success of Behzadi's poetry.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]